



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوات
والتسلیمات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

تاریخ انبیاء علیہم السلام

و تاریخ چہارده معصوم علیہم السلام



فروغ صدیقی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انبیاء عَلَیْهِمُ السَّلَام و تاریخ چهارده معصوم عَلَیْهِمُ السَّلَام

نویسنده:

فرخ صدری

ناشر چاپی:

نگین

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ تاریخ انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَام و تاریخ چهارده معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام
۶ مشخصات کتاب
۶ مقدمه
۷ خروج مُحَمَّد بن ابراهیم و أَبُو السَّرَّایَا
۹ خروج مُحَمَّد بن جَعْفَر بن مُحَمَّد بن عَلی بن الْحُسَین (مُحَمَّد دِیْبَاج)
۹ خروج حُسَین أَفْطَس
۹ باورقی
۱۰ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

تاریخ انبیاء عَلَیْهِمُ السَّلَامُ و تاریخ چهارده معصوم عَلَیْهِمُ السَّلَامُ

مشخصات کتاب

عنوان کتاب: تاریخ انبیاء عَلَیْهِمُ السَّلَامُ و تاریخ چهارده معصوم عَلَیْهِمُ السَّلَامُ (بخش مربوط به امام رضا عَلَیْهِ السَّلَامُ) نویسنده: فرخ صدری ناشر: نقش نگین، انتشارات تعداد صفحات: ۱۷۱

مقدمه

حضرت علی بن موسی الرضا در سوم (یا یازدهم) ذی‌قعدة سال ۱۴۸ هجری در مدینه متولد گردید. [۱]. پدر ایشان امام موسی کاظم و مادر ایشان نَجْمَةُ است که از اسراء بوده و @ام حمیده مادر [صفحه ۱۶۲] امام موسی کاظم او را خریداری و بعد به فرزندش تملیک نمود. اسامی دیگر ایشان ام ولدی - تُکْتَم و ام البنین است. در بعضی از کتاب‌ها نام مادر امام رضا عَلَیْهِ السَّلَامُ خَیْرُزَان ذکر شده است. وی بعد از تولد امام رضا از طرف شوهر خود به طاهره ملقب گردید. [۲]. دوران زندگی امام رضا به سه دوره تقسیم می‌شود. [۳] دوره اول: دوران قبل از امامت یعنی زمان حیات پدر بزرگوارشان حضرت امام موسی کاظم (از سال ۱۴۸ هجری تا ۱۸۳ هجری) است که در مدینه اقامت داشتند. دوره دوم: دوران امامت امام رضا عَلَیْهِ السَّلَامُ است که در مدینه اقامت داشتند و بعد از فوت پدر بزرگوارشان @امام موسی کاظم (ع) [۴] خود مرجع و ملجاء مسلمین بودند. این دوره! کلاً ۱۶ سال به طول انجامید و هر کس به اندازه‌ی لیاقت خود از آن سرچشمه‌ی علم و دانش سیراب شد. دوره سوم: دوران ولایتعهدی امام رضا است که به خراسان مسافرت و مقام ولایتعهدی مأمون را قبول نموده بودند تا سال ۲۰۳ هجری که مسموماً شهید شدند. [۵]. تاریخ رحلت ایشان ۲۹ صفر سال ۲۰۳ هجری در ۵۵ سالگی است. پس از اینکه مأمون به خلافت رسید در مرو اقامت گزید و زمام امور عرب را به حَسَن بن سَهْل برادر وزیر خود فَضْل بن سَهْل سپرد. [۶]. در این زمان مردم عراق از حکومت حَسَن بن سَهْل راضی نبوده و علیه دولت قیام کردند. مأمون برای خواباندن این فتنه و آشوب و همچنین به خاطر ارادتی که به خاندان نبوت داشت از حضرت رضا دعوت نمود که به خراسان آمده و مقام ولایتعهدی را قبول فرماید. [۷]. حضرت پس از اصرار بی‌حد مأمون و حتی تهدید بسیار بالاخره راضی شد و از [صفحه ۱۶۳] مدینه به بَصْرَةَ و از آنجا به فارس و از آنجا به نیشابور و سپس به قریه‌ی حمرا (اکنون به قدمگاه معروف است) عزیمت فرمود. از آنجا که به سَنَاباد رفته و در خانه حمید بن قَحْطَبَةَ طایبی حاکم خراسان اقامت نمود. از سَنَاباد به سَرَخُس و از آنجا به مرو محل حکومت مأمون رهسپار گردید. در این زمان گروه زیادی از سادات علوی با ایشان بیعت کردند. اول کسی که با ایشان بیعت نمود عباس بن مأمون بود. مأمون دختر خود ام حَبِیْبَةَ را به حضرت امام رضا عَلَیْهِ السَّلَامُ تزویج نمود و فرمان داد همه لباس سیاه (نشانه‌ی عباسیان) را از تن درآورده و لباس سبز (نشانه‌ی بنی‌هاشم) بپوشند و همه جا پرچم سبز به اهتزاز در آورند و همه در متابعت ولیعهد باشند. [۸]. همه مردم از این اقدامات راضی و خوشنود بودند جز برخی از عباسیان که بیم آن داشتند خلافت از عباسیان به علویان برسد، این عده با عموی مأمون (ابراهیم) بیعت نموده و او را علیه مأمون برانگیختند. [۹]. بعضی از مورخین @می‌نویسند: مأمون آماده دفاع شده و درصدد مقابله با عموی خود برآمد ولی به عللی از تصمیم خود منصرف شده و به خاطر جلوگیری از جنگ داخلی و خواباندن این فتنه و آشوب و همچنین به خاطر ایراداتی که حضرت رضا عَلَیْهِ السَّلَامُ در مجالس مختلف و در حضور عامه بر وی می‌گرفت مصمم گردید که امام رضا را از میان بردارد. [۱۰]. به طور کلی مأمون خود شخصاً طرفدار مولا علی عَلَیْهِ السَّلَامُ بوده و معاویه را سب می‌کرد. مأمون مولا علی عَلَیْهِ السَّلَامُ را بسیار دوست می‌داشت و او را افضل خلفا می‌دانست و به تمام ممالک اسلامی (کلاً ۴۴ کشور اسلامی در قلمرو مأمون بود) نامه نوشت که علی افضل خلائق بعد از پیغمبر اکرم بوده و هست. [۱۱]. مأمون احتجاجات بسیاری با علمای بغداد درباره فضیلت مولای متقیان داشته و [صفحه ۱۶۴]

مباحثات زیادی در این مورد نموده است. مأمون خود شخصاً مردی عالم و دانشمند و شخصیتی واقف به تمام علوم اسلامی و تربیت شده مکتب علمی دین بود. وی مباحثات زیادی با امام رضا علیه‌السلام دارد که در همه وقت مجاب حضرت می‌شد. اینکه امام رضا مسموماً دار فانی را وداع گفته مورد تایید اکثر علمای شیعه و سنی است ولی به علت علاقه‌ی زیاد مأمون به علویان و مخصوصاً به خاندان امامت بعید به نظر می‌رسد که وی امام را مسموم کرده باشد. برخی از مورخین می‌نویسند که بداندیشان دنیا طلب سعایت نموده و مأمون را علیه امام رضا برانگیختند تا سرانجام دستور مسموم نمودن ایشان را صادر نمود. [۱۲]. برخی دیگر از علمای اسلام و مورخین علاقه مأمون را ظاهری و به خاطر جلب قلوب مردم می‌دانند و عقیده دارند مأمون دنیاپرست که به خاطر خلافت و سلطنت حتی از کشتن برادر خود نیز دریغ نداشته و به قاتل برادر خود (طاهر) که سر بریده امین را برای مأمون می‌فرستد انعام فراوان عطا نموده و حکومت خراسان را در خاندان وی موروثی می‌نماید، آیا چنین شخصی به اصرار و حتی تهدید مقام ولایتعهدی را به امام رضا تفویض می‌کند؟ یا فقط با این عمل می‌خواسته محبت و علاقه‌ی مردم را نسبت به خودش افزایش بخشد. در حقیقت مأمون نسبت به فضیلت و بزرگواری حضرت امام رضا علیه‌السلام حسادت می‌ورزید. [۱۳@]. حسن عباد رئیس دفتر مخصوص امام رضا نقل می‌کند: موقعی که مأمون قصد حرکت به عراق می‌نماید امام رضا با ایشان همراه بود. حضرت در بین راه در دهی نزدیک طوس مریض شده دار فانی را وداع می‌گوید. ابن جوزی و ابوالفرج اصفهانی می‌نویسد که امام رضا پس از خوردن انگور مسموم (انگور را به خانه ایشان آورده بودند) از دنیا رفت. [صفحه ۱۶۵] ابوالصلت @هروی می‌نویسد که مأمون در قصر خودش خوشه‌ی انگور مسموم را بدون اطلاع از مسمومیت آن به امام تعارف می‌کند (خوشه انگور از طرف مخالفین مأمون در رابطه با ولایتعهدی امام رضا مسموم شده بود) و حتی خود مأمون اول چند دانه‌ای خورده و بعد خوشه‌ی انگور را به دست امام می‌دهد امام تناول کرده و جان به جان آفرین تسلیم می‌نماید. [۱۴]. شهادت ایشان در ۲۹ صفر سال ۲۰۳ هجری است. پس از وفات حضرت رضا مأمون پیکر پاک و مطهر ایشان را برداشته و با تشریفات خاص و با عزت و احترام زیاد در قبه‌ی هارون [۱۵] و بالای سر پدر خود دفن نمود. [۱۶]. مأمون پس از شهادت امام رضا علیه‌السلام رهسپار عراق شد و فضل بن سهل را کشت و سپس برای سرکوبی یاغیان به بغداد لشکر کشید. امام رضا علیه‌السلام دو زن در نکاح خود داشتند یکی ام حبیبه دختر مأمون و دیگری ریحانه یا @مریسنه مادر امام مُحَمَّد تقی. [۱۷]. حضرت کلاً دارای پنج پسر و یک دختر بودند. مُحَمَّد تقی، حسن، جَعْفَر، ابراهیم، حسین، عایشه. برخی از مورخین، اولاد امام رضا را فقط مُحَمَّد تقی و فاطمه ذکر کرده‌اند. مقارن امامت امام رضا علیه‌السلام و قبول ولایتعهدی مأمون از طرف امام هشتم، در شهر مدینه و دیگر بلاد اسلامی اتفاقات مهمی به وقوع پیوسته که چون حائز اهمیت فوق العاده است به شرح آن می‌پردازیم.

خروج مُحَمَّد بن ابراهیم و أَبُو السَّرَايَا

در سال ۱۹۹ هجری همزمان با دوران امامت امام رضا علیه‌السلام سه شخصیت مهم از [صفحه ۱۶۶] خاندان نبوت در مدینه می‌زیسته‌اند. اول - علی ابن عُبَیْدِ اللَّهِ بن حَسَن بن عَلَی ابن الْحُسَیْن علیه‌السلام. دوم - عُبَیْدِ اللَّهِ بن موسی بن عُبَیْدِ اللَّهِ بن حَسَن بن الْحَسَن علیه‌السلام. سوم - مُحَمَّد بن ابراهیم بن اسماعیل بن ابراهیم بن حَسَن بن الْحَسَن علیه‌السلام. چون دو نفر اول شدیداً تحت مراقبت عمال حکومتی بودند کسی اجازه‌ی ملاقات با ایشان را نداشت ولی مُحَمَّد بن ابراهیم (ابن طَبَّاطَبَا) به سبب دارا بودن آزادی بیشتر، بهتر می‌توانست درباره‌ی ظلم و ستم عمال دولت عباسی با مردم گفتگو نماید و زمینه را جهت قیام علیه این ستمگران آماده سازد. زمینه مساعد موقعی فراهم شد که مُحَمَّد بن ابراهیم با أَبُو السَّرَايَا که خود یکی از مخالفین حکومت وقت بود ملاقات نموده و با وی هم پیمان گردید. [۱۸]. أَبُو السَّرَايَا، آزاد مردی از قبیله بنی شَیْبَانَ بود که در نواحی سواد شورش کرده و عده‌ای نیز دور وی جمع شده بودند. وی با مُحَمَّد بن ابراهیم بیعت کرده و قرار ملاقات و قیام در کوفه را گذاشتند. أَبُو السَّرَايَا از سرزمین حِجَاز و از راه

بَيْنَ النَّهْرَيْنِ به کربلا جهت زیارت قبر اَبَاعَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ رفت و سوگند وفاداری یاد نمود و بعد با عده‌ای سوار به طرف کوفه آمد و در روز موعود طبق قرار قبلی در خارج از شهر کوفه با مُحَمَّد بن ابراهیم ملاقات کرد. [۱۹]. روز بعد بِالاتِّفَاق وارد کوفه شدند و مُحَمَّد بن ابراهیم مردم کوفه را به بیعت با خود فراخواند. اکثر مردم کوفه دعوت ایشان را پذیرفته و با وی بیعت نمودند (از علی ابن عُبَیْدِ اللَّهِ از نواده های امام حُسَیْنِ عَلَيْهِ السَّلَام نیز در جمع این عده بود). أَبُو السَّرَّایَا شخصی را نزد فَضْل بن سَهْل که از طرف مأمون والی کوفه بود فرستاد و او را به بیعت با مُحَمَّد بن ابراهیم دعوت نمود ولی فَضْل با سپاه خویش بیرون از شهر [صفحه ۱۶۷] کوفه اردو زده و آماده جنگ و پیکار با مُحَمَّد بن ابراهیم شد. [۲۰]. أَبُو السَّرَّایَا پس از کسب اجازه از مُحَمَّد بن ابراهیم با فَضْل به جنگ پرداخت. سپاهیان فَضْل شکست خورده و خود فَضْل به بغداد فرار کرد و جریان را به برادر خود حَسَن بن سَهْل (وزیر مأمون و والی عراق و حِجَاز) گزارش نمود. حَسَن بن سهل، زُهَیْر بن مُسَیَّب را با لشکری انبوه به مقابله مُحَمَّد بن ابراهیم فرستاد. [۲۱]. زُهَیْر اول عده‌ای از سپاه را به سرداری پسر خود اَزْهَر روانه کوفه نمود. این عده از أَبُو السَّرَّایَا شکست خوردند و خود اَزْهَر به سوی پدر به بغداد گریخت. پس از آن زُهَیْر با سپاهیان بی‌شمارش به طرف کوفه آمده و نزدیک پل کوفه اردو زد. أَبُو السَّرَّایَا در جنگ سختی که با لشکریان بغداد کرد، آنها را شکست داده و مجبور به عقب نشینی نمود. زُهَیْر با سپاهیان متواری گشته و غنائم بسیاری نصیب لشکریان کوفه گردید. پیروزی‌های أَبُو السَّرَّایَا وحشتی در دل حَسَن بن سَهْل و عباسیان انداخته و از عاقبت این کار بیمناک شدند. حَسَن بن سَهْل لشکری جَزَّار به فرماندهی عُبْدُوس بن عَبْدِ الصَّمَد تهیه و عازم کوفه نمود. این بار نیز لشکریان بغداد مُنَهَزَم شده و خود عُبْدُوس در مقابله با أَبُو السَّرَّایَا کشته شد. [۲۲]. أَبُو السَّرَّایَا با سپاهیان فاتح خود به کوفه نزد مُحَمَّد بن ابراهیم بازگشت. در این موقع مُحَمَّد بن ابراهیم بیمار گشته و در حال احتضار بود. وی در واپسین لحظات زندگی به أَبُو السَّرَّایَا وصیت کرد که امامت بعد از خودش با علی بن عُبَیْدِ اللَّهِ باشد. أَبُو السَّرَّایَا قبول نمود و بعد از مرگ مُحَمَّد بن ابراهیم به علی ابن عُبَیْدِ اللَّهِ پیشنهاد کرد که جانشینی مُحَمَّد بن ابراهیم را بپذیرد ولی علی ابن [صفحه ۱۶۸] عُبَیْدِ اللَّهِ نپذیرفت و به پیشنهاد وی أَبُو السَّرَّایَا و همه مردم کوفه با مُحَمَّد بن مُحَمَّد بن زید بن علی ابن الْحُسَیْنِ (یکی دیگر از نواده‌های سید الشهداء) که بسیار جوان بود بیعت نمودند. مُحَمَّد بن مُحَمَّد و أَبُو السَّرَّایَا عمال و حکامی از جانب خود به شهرهای مختلف نظیر مکه، بصره، یمن، اهواز و غیره گسیل داشتند که این افراد به دیار مأموریت خود رفته و آنجا را فتح نمودند. این جریانات سبب شد که حَسَن بن سَهْل به فکر چاره‌ای دیگر برای دفع أَبُو السَّرَّایَا افتد. وی سِتْدِی بن شَاهَک سِتْدِی بن شَاهَک را نزد هَزْئِمَةَ بن اَعِیْن فرستاد و از هَزْئِمَةَ خواست که به دفع أَبُو السَّرَّایَا اقدام نماید و برای این کار درهای خزائن و اموال را به روی او باز گذاشت. [۲۳]. هَزْئِمَةَ به تجهیز سپاه پرداخت و با لشکری جَزَّار که در حدود سی هزار سواره و پیاده بودند از بغداد خارج و به طرف کوفه رهسپار گردید. از یک طرف هم حَسَن بن سَهْل پنج هزار سپاهی را به فرماندهی عَبْدِ اللَّهِ بن وَضَّاح جهت کمک به هَزْئِمَةَ پشت جبهه فرستاد. لشکریان بغداد به فرماندهی هَزْئِمَةَ و لشکریان کوفه به فرماندهی أَبُو السَّرَّایَا در دو طرف شرقی و غربی نهر (صرصر) اردو زدند. پیکار سهمگینی در گرفت و چندین روز به طور انجامید. [۲۴]. برادر أَبُو السَّرَّایَا در این جنگ به قتل رسید. در یکی از این روزهای بحرانی هَزْئِمَةَ اسیر شد و سپاهیان بغداد مجبور به عقب نشینی و فرار گردیدند ولی سپاهیان کمکی به فرماندهی عَبْدِ اللَّهِ بن وَضَّاح وارد کارزار شده و موفق به نجات هَزْئِمَةَ شدند. در این هنگام چون مبارزه بر هَزْئِمَةَ و سپاهیانش سخت گردید و هَزْئِمَةَ خود را در تنگنا دید، فریاد زد که ای اهالی کوفه تا کی باید خون ما و خون شما ریخته شود و [صفحه ۱۶۹] پیشنهاد نمود که صلح برقرار شده و مردم جهت انتخاب امام خود در شهر کوفه گرد آیند. به همین سبب کوفیان دست از جنگ کشیدند و هر قدر أَبُو السَّرَّایَا اصرار نمود که این یک حيله است و نظیر نیرنگی هست که معاویه در جنگ صفین به کار برده، مردم قبول نکردند. أَبُو السَّرَّایَا ناچار با مُحَمَّد بن مُحَمَّد و عده‌ای از زبیدیه و یاران نزدیک خود از کوفه خارج شد. هَزْئِمَةَ نیز از طرف خود عَسَّان بن خرج را بر کوفه گماشته و حکومت آنجا را به وی سپرد. أَبُو السَّرَّایَا با دیگر یارانش قصد بَصْرَةَ نمود ولی بَصْرَةَ و دیگر بلاد اسلامی که عمال وی در آنجا حکومت می‌کردند سقوط نموده و به

دست عمال حکومت افتاده بود. أَبُو السَّرَّایَا به خوزستان رفت و با والی آنجا جنگ سختی نمود ولی به علت قلت سپاه کاری از پیش نبرده و ناچار راه خراسان در پیش گرفت و در دهی به نام @برقانا اطراق کرد@. حماد کند قوش والی آن نواحی بود، وی به أَبُو السَّرَّایَا و یارانش امان داد و آنها را نزد حَسَن بن سَهْل به بغداد فرستاد. یکی از سرداران حَسَن بن سَهْل به نام هَارُون ابن ابی خالد به انتقام خون برادر خود (عُبْدُوس بن عَبْد الصَّمَد) و به دستور و اجازه حَسَن بن سَهْل گردن أَبُو السَّرَّایَا را با شمشیر زد. [۲۵] سرش را در قسمت شرقی شهر و بدنش را در قسمت غربی شهر به دار آویختند. حَسَن بن سهل، مُحَمَّد بن مُحَمَّد را نزد مأمون فرستاد و مأمون در خراسان خانه‌ای راحت با خدمه به وی داد ولی بعد از گذشت چهل روز شربت زهری به مُحَمَّد خورانده و وی را مسموم نمود. [۲۶] مُحَمَّد بن مُحَمَّد در اثر زهری که خورده بود به شهادت رسید. [صفحه ۱۷۰]

خروج مُحَمَّد بن جَعْفَر بن مُحَمَّد بن عَلی بن الْحُسَین (مُحَمَّد دِیَاج)

مُحَمَّد بن جَعْفَر عموی امام رضا است وی مردی فاضل و محترم و زاهد و با سخاوت بود. همزمان با خروج أَبُو السَّرَّایَا در کوفه، مُحَمَّد بن جَعْفَر نیز در مدینه قیام نموده و مردم را به بیعت با خویشان دعوت نمود. مردم مدینه نیز با وی بیعت نموده و او را به امامت خویش انتخاب کردند. [۲۷]. مُحَمَّد مردی سخی و شجاع بود و کلاً با رأی زبیده (خروج به شمشیر) موافقت داشت. [۲۸]. مُحَمَّد بن جَعْفَر با گروهی از طالبین و عده‌ای سپاه به جنگ هَارُون ابن مُسَیَّب والی کوفه رفت و جنگ سختی با طرفداران حکومت عباسی نمود. به طوری که والی مکه از امام رضا خواست که واسطه شده و به جنگ و خونریزی خاتمه دهد ولی مُحَمَّد بن جَعْفَر قبول ننمود. هَارُون ابن مُسَیَّب با سپاهیان و لشکریان بی‌شمار خود اردوی مُحَمَّد بن جَعْفَر را محاصره نمود. پس از سه روز محاصره، سپاهیان مُحَمَّد بن جَعْفَر متواری شده و خود مُحَمَّد با لباس مبدل نزد هَارُون ابن مُسَیَّب رفت و برای خود و یارانش امان خواست. هَارُون به مُحَمَّد و یارانش امان داده و مُحَمَّد بن جَعْفَر را به بغداد فرستاد. [۲۹]. حَسَن بن سهل، مُحَمَّد بن جَعْفَر را از بغداد به خراسان نزد مأمون روانه نمود. مأمون نیز وی را مورد عنایت قرار داده و امکانات زندگیش را در خراسان فراهم آورد. مُحَمَّد بن جَعْفَر نیز به همین حال زندگی نمود تا اینکه در خراسان دار فانی را وداع گفت. جنازه وی در حالی که بر دوش مأمون بود به قبرستان حمل شد و مأمون کلیه قروض [صفحه ۱۷۱] وی را پرداخت نمود. [۳۰] می‌گویند مأمون بر جنازه وی نماز خواند و او را در جُرجان به خاک سپردند (سال ۲۰۳ هجری).

خروج حُسَین اَفْطَس

همزمان با دوران زندگانی امام رضا عَلَیْهِ السَّلَام یکی دیگر از نواده‌های امام حُسَین عَلَیْهِ السَّلَام به نام حُسَین بن حسن [۳۱] بن علی اصغر بن علی ابن الْحُسَین عَلَیْهِ السَّلَام معروف به حُسَین اَفْطَس در مکه قیام کرد. [۳۲] حُسَین اَفْطَس بعد از پیکار سختی که با سپاه مأمون نمود، خود به اتفاق دو فرزندش به نام مُحَمَّد و علی به شهادت رسیدند.

پاورقی

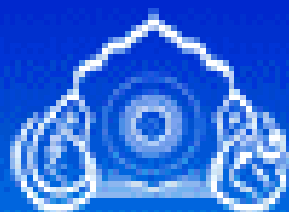
- [۱] چهارده معصوم، عمادزاده / ۱۰۶۱. [۲] ایضاً / ۱۰۶۲. [۳] ایضاً / ۱۰۶۸. [۴] چون امام موسی کاظم کثیر الاولاد بود مکرراً اولین فرزند خودشان امام رضا عَلَیْهِ السَّلَام را وصی و جانشین خویش و امام و پیشوای مسلمین معرفی می‌فرمودند. چهارده معصوم / ۱۰۷۰.
- [۵] ایضاً، ۱۰۶۸. [۶] ایضاً / ۱۰۷۳. [۷] ایضاً / ۱۰۷۴. [۸] چهارده معصوم، عمادزاده / ۱۰۵۸. [۹] ایضاً / ۱۰۷۴. [۱۰] ایضاً / ۱۰۷۴.
- [۱۱] ایضاً / ۱۱۰۰. [۱۲] منتخب التواریخ، خراسانی / ۵۷۹. [۱۳] ایضاً / ۵۷۹. [۱۴] تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام، دکتر مشکور / ۹۲.
- [۱۵] هَارُون الرشید چون در طوس از دنیا برفت. به خاطر دوستی که با حمید بن قَحْطَبَة طایبی داشت او را در خانه‌ی شخصی حمید

که دارای باغ بزرگی بود در سَناباد به خاک می سپارند. [۱۶] چهارده معصوم، عمادزاده، ج ۱۱۱۲: ۲. [۱۷] چهارده معصوم، عمادزاده، ج ۱۱۱۲: ۲. [۱۸] منتخب التواریخ، خراسانی / ۵۹۸. [۱۹] منتهی الآمال، قمی / ۳۱۰. [۲۰] منتخب التواریخ، خراسانی / ۵۹۸. [۲۱] منتخب التواریخ، خراسانی / ۵۹۸. [۲۲] منتخب التواریخ، خراسانی / ۵۹۸. [۲۳] منتخب التواریخ، خراسانی / ۵۹۸. [۲۴] منتخب التواریخ، خراسانی / ۵۹۸. [۲۵] منتخب التواریخ، خراسانی / ۵۹۸. [۲۶] ایضاً ۵۹۹. [۲۷] اهالی مدینه بعد از حَسین صاحب فسخ با کسی جز مُحَمَّد بن جَعْفَر بیعت نکردند. [۲۸] منتهی الامال، قمی / ۷۵۵. [۲۹] منتهی الامال، قمی / ۷۵۶. [۳۰] منتهی الامال، قمی / ۷۵۶. [۳۱] حَسَن بن عَلی اصغر (حسن اَفطس) هنگام خروج مُحَمَّد (نَفْس زَکیَّه) با وی همراه بود. بعد از کشته شدن مُحَمَّد (نَفْس زَکیَّه) حسن متواری و مخفی شد. چون امام جَعْفَر صادق عَلَیْهِ السَّلَام به عراق آمد و ابوجَعْفَر منصور را ملاقات نمود واسطه شد و منصور از کشتن حسن اَفطس درگذشت. منتهی الامال، قمی / ۶۶۲. [۳۲] منتهی الامال، قمی / ۷۵۶.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۳۳۵) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های

علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... (ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰-۰۱۸۰-IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محتّ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاوندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

